

خیزش مردمی یا مداوم سازی ناامنی؟!

نوشته: فرید غالب

۱۷ می ۲۰۱۵



بدیهی ست که صلح نیاز مبرم و جدی مردم افغانستان است و قلوب هر تبعه ی این سرزمین برای رسیدن به این امر مهم میتپد و گوشهای مان منتظر آن روز اند تا پگاه ای را بدون صدا انفجار و خبر ناخوش، آغاز نماییم. راهکارهای گوناگون و متعددی را دولت افغانستان برای تحقق این امر سنجید و به منصفه اجرا گذاشت. نظیر: تأسیس اردو، پولیس و امنیت ملی بعدش شورای عالی صلح و پس از آن اربکی و پولیس محلی. ولی بازیده تمام این تدابیر کزاف نه معقول مردم افغانستان بوده و نه هم خود دولت آن را قناعت بخش میداند. حتی برخی راهکارها نه تنها ممد واقع شده اند بلکه تبعات منفی بیشماری نیز در قبال داشته اند، از جمله اربکی سازی و تأسیس شورای عالی صلح. هرچند اربکی ها بدلیل آشنایی با جغرافیایی و تجربه جنگی توانسته اند روحیه طالبان را تضعیف نمایند ولی دولت نتوانست اینها را مدیریت و سازمان دهی درست نماید و سرانجام مبدل به گروه آزار دهنده مردم و موازی اردو و پولیس ملی گشته اند. اکنون دیگر مهار کردن و خلع سلاح مجدد این گروه خیلی دشوار است، چون اعضای این گروه را طالبان دشمنتر از اردو و پولیس ملی را دشمنتر میپندارند. در ضمن با نفرت و کینه مردم نیز دچار اند. حالا این ها برای تأمین امنیت شخصی خویش ناچار اند تا مسلح بمانند. تأسیس شورای عالی صلح نیز یک تصمیم مصلحتی و بهانه ای، برای تسهیم و خاموش نگه داشتن استاد برهان الدین ربانی به عنوان یک

اپوزیسیون قوی در قدرت بود، نه راهکار عقلانی و عملی برای رسیدن به صلح. اصلاً برای هیچ منطقی قابل پذیرش نیست تا دو جناح درگیر و متخاصمی را که مدت مدید در تخاصم و جنگ قرار داشتند، یکی را به عنوان میانجی برگزینیم و از جانب دیگر بخواهیم تا به خواسته هایش لیبیک بگویید. این تصمیم سیاسی روند صلح افغانستان را نه تنها تسهیل نبخشید بلکه پروسه صلح افغانستان را کند و خیلی دشوار ساخت.

اینک بار دیگر دولت با همدستی شماری از نمایندگان بدخشان در شورای ملی و بزرگان بدخشانی پروژه ای را تحت نام "خیزش مردمی" ابداع نموده اند. قرار است 1000 نفر از باشندگان ولایت بدخشان جدا از تمام ساختارهای فوق الذکر، علیه طالبان درین ولایت مسلح گردند. این تصمیم در یک همایش از قبل طراحی شده و ساخته گی بالای مردم بدخشان قبولاند خواهد شد و بعد در پایان کار چون آشکار است که پیامدهای منفی دربر خواهد داشت، مسوولیت اش نیز به دوش بدخشانیان گذاشته میشود. دولت با این کار دامنه ی ناامنی در بدخشان را می گستراند و ولسوالی های دیگری را هم که تا کنون از شر بالفعل این پدیده ی شوم در امان اند، ناامن میسازد. دولت ها از طریق میکانیزم های مختلف در پی ایجاد هیبت خویش در دل مخالفین و قانون شکنان اند تا باشد حتی قبل از انجام جرم و دست یازیدن به شورش، هراسی در دل شورشگر و مجرم بوجود آید و مانع انجام کارش گردد ولی اینجا بر عکس است؛ دولت ما با بوجود آوردن گروه های مختلف خارج از ساختار رسمی دولت میخواهد به مخالفین و شهروندان ثابت بسازد که ما قادر به تأمین امنیت و تحکیم حاکمیت در این سرزمین نیستیم. این عمل دولت نیم بند ما فلسفه وجودی و دلیل موجودیت دولت در یک جغرافیا را زیر سوال برده، مفهوم حاکمیت دولت را بی معنا میسازد. در واقع این عملکرد دولت مان تیشه زدن به پای حاکمیت دولت و فرسایش صلابت و مهابت دولت است.

پیشنهادم به دولت اینست؛ اگر دولت واقعاً میخواهد تا صلح در افغانستان عملی گردد، باید از تداوم تأسیس اینگونه گروهک های پراکنده بپرهیزد و گروه های را هم که تأسیس نموده باید داخل ساختار رسمی اردو و پولیس ملی بسازد و اردو و

پولیس ملی را در پیکار با هراس افگنان و تروریستان صادقانه حمایت و تجهیز کند، به خون این رزمندگان ارزش قایل شود، در موقع ضرورت به اکمال شان بپردازد و در میدان نبرد بی چاره رهای شان نکند. من مطمئن ام سربازان دلیر مان اگر مخلصانه حمایه گردند یک شورشی در افغانستان باقی نخواهد ماند.

به امید صلح در افغانستان

فرید غالب

تاریخ: 1394/2/27